

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

“نه” قاطع جنبش مردمی و نیروهای ملی و آزادی خواه به نمایش انتخاباتی رژیم استبدادی حاکم



شماره ۷۸۶، دوره هشتم
سال بیست و یکم ۲۵ اسفند ماه ۱۳۸۶

جلو برگزاری یک انتخابات رقابتی حتی در چارچوب محدود رژیم کنونی را سد کند و اجازه ندهد تا تجربه دوم خرداد و پس از آن تجربیات نخستین انتخابات شورایهای شهر و روستا و سپس انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی تکرار شود.
با وجود همه مانور ها و رایزنی های کسانی همچون رفسنجانی و کروبی، برای تعدیل سیاست شورای نگهبان و ارتجاع حاکم و کسب اجازه برای شرکت بخش هایی از اصلاح طلبان حکومتی در انتخابات، ارتجاع حاکم به رهبری خامنه ای و با پشتوانه سپاه و دیگر نیروهای انتظامی و سرکوبگر اعلام کردند که به هیچ وجه اجازه نخواهند داد تا تجربه مجلس ششم دیگر بار تکرار شود. خواست “توبه” کردن نمایندگان پیشین مجلس ششم، که در جریان تحصن مجلس و یا حمایت از آن شرکت کرده بودند، ملاک عبور بخشی از اصلاح طلبان حکومتی از صافی شورای نگهبان ارتجاع بود. بی حاصلی و نمایشی بودن “انتخابات” پیش رو آن

هم میهنان عزیز!
بالاخره پس از ماه ها مانور و تنش های سیاسی، انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی روز جمعه ۲۴ اسفند ماه در شرایطی برگزار می شود که بار دیگر شورای نگهبان ارتجاع و تارک اندیشان حاکم بر هیات های نظارت هزاران نامزد انتخاباتی را به “جرم” عدم التزام به استبداد مطلقه ولایت فقیه و به خاطر دگر اندیشی، از شرکت در انتخابات محروم کرده اند. حزب ما به همراه دیگر نیروهای ملی و آزادی خواه کشور، از هفته ها پیش اعلام کرده بود که ارتجاع حاکم مترصد است تا با پاکسازی وسیع نامزدهای دگر اندیش

شاد باش نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

شهروند زحمتکش، بیکاری مزمن، تخریب زیر ساختار تولیدی کشور، به نفع سرمایه داری کلان تجاری و واردات بی رویه کالاهای خارجی، تشدید ناهنجاری های اجتماعی، خصوصاً در میان جوانان کشور، حرکت به سمت تشدید خصوصی سازی و تجدید نظر در اصل ۴۴ قانون اساسی، در راستای منافع سرمایه داری بزرگ، اتخاذ سیاست های ماجراجویانه بین المللی و تشدید جو فشار و خفقان و گسترش تهاجم به جنبش کارگری، دانشجویان آزادی خواه و زنان مبارز کشور تنها گوشه هایی از مجموعه سیاست هایی است که حیات کشور را با دشواری ها و مخاطرات زیادی رو به رو کرده است.
هم میهنان گرامی!

هم میهنان گرامی!
کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن نوروز و سال ۱۳۸۷ را به مردم زحمت کش و شریف میهن ما تبریک می گوید.



نوروز سنت خجسته نیاکان ما، جشن استقبال از نو شدن طبیعت و طرد کهنگی و تجدید عهد با سنن مردمی تاریخ کهن سال ایران است که حکام کنونی همواره با آن دشمنی آشکار داشته و دارند. میهن ما در شرایطی به استقبال ۱۳۸۷ می رود که سیاست های حاکمیت یکدست شده مرتجعان و مزدوران ذوب شده در “ولایت فقیه” و استبداد در مجموع بر دشواری های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور افزوده است. تشدید فقر و محرومیت میلیون ها

ادامه در صفحه ۵

فرخنده باد هشتم مارس، روز جهانی زن
اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به
مناسبت درگذشت رفیق مریم فیروز
در صفحه ۵

نوروز جاودان

ز مهر بوسه شادی چو بر جهان جاریست
ز گرمتابی او رامشی به جان جاریست
به هر پگاه بهاران به شور ساز نسیم
به باغ رقص دل انگیز ارغوان جاریست
به ذره ذره شوق آفرین هستی ما
غرور هستی نوروز جاودان جاریست

ایرج

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

حقوق قانونی زنان کارگر چیست؟!*

* بسیاری از زنان کارگر میهن ما که در مراکز مختلف صنعتی- خدماتی مشغول به کار هستند، از بدیهی ترین حقوق شناخته شده از قبیل بیمه درمانی، حق بازنشستگی، دستمزد مساوی با مردان و ساعات کار مشخص همراه با تعطیلی آخر هفته محروم بوده و مشمول قوانین حمایتی نیستند!

بر پایه آمار انتشار یافته در خصوص بیکاری و اخراج کارگران در چند سال اخیر، زنان کارگر از نخستین و اصلی ترین قربانیان این مسئله به شمار می آیند. رکود و تعطیلی واحدهای صنعتی و خدماتی که در پی خود اخراج و بیکاری هزاران کارگر را در پی داشته، به ویژه امنیت شغلی زنان کارگر را به چالش گرفته و منافع و حقوق آنان را در معرض نابودی کامل قرار داده است. بخش بزرگی از زنان کارگر با رواج قراردادهای موقت طی ۲ دهه اخیر امنیت شغلی خود را از دست داده و وادار به عقد قراردادهای سفید و یا حتی پرداخت سفته برای استخدام مجدد شدند. نمونه ها در این زمینه فراوان است. پایگاه خبری "دسترنج"، ۲۷ بهمن ماه، در گزارشی با عنوان "سوءاستفاده از فقر زنان کارگر" یادآور شد: "مدیریت کارخانه نگین ریس درخشان - پرنج - با تمامی کارگران (زنان کارگر) تسویه حساب کرد. فرار از پرداخت مطالباتی چون حق سنوات و حق طبقه بندی مشاغل از انگیزه های اصلی مدیریت کارخانه پرنج است. به جای این کارگران، عده ای از زنان سرپرست خانوار که در فقر و تهیدستی زندگی می کنند به عنوان کارگر آن هم به صورت موقت استخدام شدند که حق بیمه، حق بازنشستگی طبقه بندی مشاغل و دیگر مزایا شامل حال آنان نمی گردد و کارفرمایان هر گاه مایل بودند آنها را اخراج و افراد جدیدی را استخدام کنند."

در ادامه این گزارش تاکید می شود: "زنان سرپرست خانوار از روی اجبار و به دلیل فشار اقتصادی، چشم پوشی از تصبیح حقوق قانونی خود را به محروم شدن از دستمزدی در حد زنده ماندن ترجیح می دهند. کارگران سابق (زنان کارگر) با داشتن ۱۰ تا ۱۳ سال سابقه کار در استخدام دائم کارخانه بودند که مدیریت با ترفندهای خاص در سال های گذشته با آنها تسویه حساب و بصورت موقت همکاری داشت." سوء استفاده از فقر زنان کارگر و تحمیل شرایط غیر انسانی به آنها فقط از سوی عده ای کلان سرمایه دار و دلال صورت نمی گیرد. سیاست دولت ضد ملی احمدی نژاد و برنامه های وزارت کار و امور اجتماعی سرپرستی محمد جهرمی، کاملاً در جهت پوشش قانونی دادن به این "سوء استفاده ها" است. درست زمانی که زنان کارگر با سوابق کاری ۱۰ سال به بالا اخراج و سپس به اجبار با قرارداد موقت مجدداً به کار گرفته می شوند، محمد جهرمی، وزیر کار، اعلام می کند: "موضوع قراردادهای موقت را نمی توان با قانون حل کرد." وی در جریان سومین همایش مدیران، معاونان و روسای روابط کار سراسر کشور در ارتباط با مسایل روابط کار در واحدهای اقتصادی خاطرنشان ساخت: "نمی توان با قانون و تکلیف، موضوع قراردادهای موقت را حل کرد، بلکه وقتی کارگری آموزش و مهارت کسب کند برای کارفرما به صرفه است که در حفظ آن کارگر در آن واحد اقتصادی کوشا باشد." چنین دفاع گستاخانه ای از قراردادهای موقت و منافع مشتی دلال و کلان سرمایه دار ضمن اینکه کم سابقه است، عزم دولت احمدی نژاد را در حمایت از منافع لایه های انگلی سرمایه داری ایران ثابت می کند. پرسش اینجاست مگر حداقل ۱۰ سال سابقه کار مهارت لازم و مفید برای یک زن کارگر محسوب نمی شود که کارفرما بدون کوچک ترین دلیل ابتدا او را اخراج و سپس با قرارداد موقت استخدام می کند؟! آیا کارگر اخراج شده و پی پناه که فقر و گرسنگی گلوی خانواده او را می فشارد با امضای قرارداد سفید و موقت به یکبار، صاحب مهارت می شود؟! واقعیت اینست که، مسئله مهارت و آموزش و جز اینها بهانه

هایی بیش برای دفاع از منافع کلان سرمایه داران نیست! در ارتباط با وضعیت زنان کارگر، روزنامه "سرمایه"، ۲۳ بهمن ماه، گزارشی را منتشر ساخت که ابعاد فاجعه بار زندگی ده ها هزار زن کارگر و بی قانونی در حق آنها را بازتاب می دهد! این گزارش با عنوان: "زنان نیمی از کارگران کوره پزخانه هستند" از جمله می نویسد: "۳۰ درصد کارگران کوره پزخانه ها دایمی (قرارداد دائم) و ۷۰ درصد آنان فصلی (موقت) هستند. کارگران موقت، هزاری خشت می زنند، یعنی هر یک هزار خشت که تحویل کارفرما می دهند دستمزد می گیرند. تا سال گذشته کارفرمایان برای هر هزار خشت آجر ۵ هزار تومان به کارگران می دادند اما امسال با گران شدن آجر این دستمزد تا مرز ۹ هزار تومان هم رسید. هر خشت آجر ۲ کیلوگرم است اما به دلیل این که کار فرماها آجرها را تنی می فروشند کارگران را مجبور می کنند که هر خشت را دو کیلو و نیم بگیرند. پیمان دسته جمعی کارگران کوره پزخانه که در قالب فصل هفتم قانون کار با حضور نمایندگان کارگری، کارفرمایی و مسئولان وزارت کار تدوین شده، کارفرمایان را مجاب کرده که از هر چهار نفر کارگری که به خدمت می گیرند یک نفر آنان زن باشد، اما در حال حاضر از هر ۲ کارگر کوره پزخانه یک نفر آن زن است."

در ادامه با اشاره به وضعیت ناگوار کار و ساعات طولانی آن تاکید می کند: "طبق این پیمان [پیمان به اصطلاح دسته جمعی] زنان تنها می توانند بار جمع کن باشند اما در حال حاضر به جز گل ساز، زنان در مشاغل قالب کشی و قالب داری نیز به کار گرفته می شوند. قالب دارها (که اغلب زن هستند) حداکثر ۱۶ ساعت و حداقل ۱۲ ساعت باید کار کنند. در هر حال کارگران زن در این کوره ها مشغول بکار می شوند اما زمان حضور بازرسان سازمان تامین اجتماعی تنها نام عده محدودی از آنان در فهرست بیمه ای این سازمان قرار می گیرد. به گفته رییس انجمن های صنفی کارگران کارخانجات آجر سازی، زمانی که بازرسان این سازمان برای بازرسی مراجعه می کنند برخی کارفرمایان کارگران را مجبور کرده اند که از چشم بازرسان پنهان شوند در غیر این صورت این کارگران اخراج می شوند."

علاوه بر این در گزارش مذکور بر شرایط نامناسب و خطرناک محیط کاری تاکید می گردد، از جمله اینکه: "اغلب کارگران فصلی و موقت با خانواده های خود در کوره پزخانه ها زندگی می کنند و بیشتر فرزندان زنان کارگر هم بکار مشغول می شوند اما در فهرست بیمه تامین اجتماعی تنها ۱ نفر از هر خانواده بیمه می شود. طبق قرارداد با وزارت کار، کارگران کوره پزخانه باید ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه کار کنند، اما در حال حاضر پیر، جوان و کودک باید حداقل تا ۱۶ ساعت کار کنند. بر اساس مفاد پیمان دسته جمعی کارگران کوره پزخانه، کارفرما باید برای هر ۴ نفر یک اتاق ۱۲ متری و به هر خانواده ۴ نفره یک آشپزخانه بدهد. در حال حاضر دولت نظارتی اعمال نمی کند و تهیه آشپزخانه و حمام از محل زندگی کارگران حذف شده است. شرایط به گونه ای است که سرویس های بهداشتی و حمام نه تنها برای کارگران احداث نشده، بلکه شرایط اوایل انقلاب نیز حفظ نشده و وضع روزبه روز بدتر می شود."

همچنین باید به دستمزدهای بسیار پایین زنان کارگر شاغل در کوره پزخانه ها اشاره کرد، در حالی که به طور رسمی از کارگران ۳ درصد بابت بیمه بیکاری کسر می شود. اما تاکنون هیچ یک از زنان کارگر از مزایای این بیمه استفاده نکرده اند. در گزارش روزنامه "سرمایه"، درباره دستمزد این زحمتکش چنین آمده است: "هر ساله دو نوع دستمزد یکی از طرف شورای عالی کار و یکی نیز از طرف شورای عالی تامین اجتماعی و مجمع امور صنفی اعلام می شود که کارفرمایان دستمزد مصوبه شورای عالی تامین اجتماعی و مجمع امور صنفی را به کارگران پرداخت می کنند و زمانی که بازرسان اداره مالیات به کارگاه ها مراجعه می کنند، کارفرمایان دستمزد شورای عالی کار را به عنوان سند ارایه می دهند. مسئولان وزارت کار نیز به جای آنکه برای کارگران وضعیت را بهبود دهند، مانع جدیدی را ایجاد می کنند که به سود کارفرمایان است."

آنچه در گزارش آمده، آینه تمام نمای زندگی دردناک کارگران و به ویژه هزاران زن کارگر است که مجبورند ساعات طولانی با دستمزد کمتر از معیار قانونی جمهوری اسلامی کار کنند تا زندگی خود و خانواده هایشان را تامین کنند.

با سیاست های کنونی وزارت کار و امور اجتماعی دولت احمدی نژاد در خصوص مسایل کارگری و حمایت بی دریغ و قاطع آن از منافع کلان سرمایه داران، وضعیت زندگی و امنیت شغلی زنان کارگر میهن ما در گرداب فقر و بی قانونی قرار گرفته است. فعالان سندیکایی به درستی این پرسش را مطرح می کنند که، آیا در جمهوری اسلامی زنان کارگر دارای حق و حقوقی هستند؟! و اصولاً حقوق قانونی آنان چیست؟!*

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن

پیروز باد مبارزه زنان ایران در راه رهایی از بندهای ارتجاع و استثمار

در این زمینه دوچندان کرد. فعالیت های مبتکرانه و تحسین برانگیز زنان میهن ما، از جمله کارزار "یک میلیون امضاء" بر ضد تبعیض جنسی، همبستگی با جنبش دانشجویی و کارگری و مبارزه بر ضد نقض آشکار حقوق بشر و دفاع از قربانیان این کارزار، آن گونه موثر بوده اند که نه تنها به ایجاد پل های ارتباطی بین گردان های مبارزاتی جنبش مردمی و از جمله کارگران و دانشجویان یاری رسانده است، بلکه شخصیت های برجسته اجتماعی بی را به میهن ما اهدا کرده است که مبارزه و فعالیت های آنان برای تحقق حقوق بشر و صلح در ایران در حد اهدای جایزه صلح نوبل مورد تحسین جهانی قرار گرفته است.

امسال زنان میهن ما در شرایطی به استقبال روز جهانی زن می روند که سیاست های سرکوبگرانه و زن ستیزانه رژیم و سپس گرای حاکم نه تنها کاهش نیافته بلکه در ابعاد مشخصی شدت یافته است. در ابتدای قرن بیست و یکم میلادی کمتر حکومتی را می توان در جهان یافت که چنین در تقابل با علم و فرهنگ به تحمیل سیاست های ارتجاعی، مرد سالارانه و زن ستیزانه کمر بسته باشد. رژیم در سال های اخیر وحشت خود را از اینکه زنان میهن در عرصه های اجتماعی - سیاسی به شکلی شایسته و در جهت ایفای نقش برحق خود شرکت و مداخله داشته باشند به صراحت نشان داده است. حمله عوامل چماق بدست و قداره کش رژیم در سال های گذشته به اجتماعات زنان و مراسم ۸ مارس، روز جهانی زن، و بازداشت گسترده فعالان زن در واقع افشاگر این وحشت است. حاصل سرکوب و عملگردهای رژیم در سال گذشته در برابر به مبارزات زنان از جمله کشتن زنان جوان و تحصیل کرده در بازداشتگاه های رژیم در زیر شکنجه، دستگیری های وسیع فعالان زن و احکام سنگین زندان و محرومیت اجتماعی به خاطر فعالیت های قانونی و شرکت در اجتماعات، جلوگیری از انتشار نشریات زنان، و ممانعت از مسافرت فعالان زن به خارج از کشور بوده است.

اینکه در دو سال گذشته همواره تعدادی از فعالان و دست اندرکاران جنبش زنان میهن ما یا در مراحل مختلف دادرسی در بیدارگاه های رژیم به افشاکاری در مورد نقض سیستماتیک حقوق زنان و کودکان مشغول بودند، و یا در زندان های رژیم تاوان حق طلبی و مبارزه جویی خود را پس می دادند، گویای نقش برجسته زنان در صحنه مبارزه برای تغییرات بنیادین در کشور است. حضور زنان در صفوف اول مبارزه برای صلح، از جمله ابتکار جالب و ستودنی ایجاد جنبش "مادران برای صلح" که یکی از بنیان گذاران و سخنگوی آن اخیرا به دلیل مبارزات شجاعانه اش به زندان و ده ضربه شلاق محکوم شد، به جنبش مقاومت مردمی در مقابله با بحران آفرینی و سرکوبگری رژیم توان ویژه ای داده است.

آنچه در سال های اخیر و در صحنه مبارزات روزمره مردم به اثبات رسیده این است که جنبش مستقل زنان در همبستگی و هم پیوندی با دیگر نیروهای رزمنده اجتماعی همچون کارگران و زحمتکشان و دانشجویان و جوانان در کنار هم و در صورت سازمان یافتگی می تواند راه گشای تحولات جدی به سمت تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد. باید در سازمان دهی این امر مهم همه امکانات را به کار گرفت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، بار دیگر ضمن تجدید عهد با آرمان های والای جنبش جهانی زنان برای رهایی از ستم جنسی و طبقاتی و برای دست یابی به برابری، همه نیروهای مترقی و آزادی خواه را فرا می خواند تا دست در دست هم، به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای دستیابی به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه تلاش های خود را تشدید کنند.

فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی رزمجویانه با پیکار زنان سراسر جهان!
درد آتشین به زندانیان سیاسی زن و همه زندانیان سیاسی!
کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۷ اسفندماه ۱۳۸۶

زنان آگاه و شجاع!

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن روز هشتم مارس را، روز همبستگی با مبارزات همه زنان جهان، در راه رهایی از بندهای ستم طبقاتی و جنسی، به شما تبریک می گوید و اطمینان دارد که پیکار دشوار و پرفراز و نشیب زنان جهان، در راه دست یابی به برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، همچنان که تجربیات غنی سده گذشته نشان داده است به سرانجام پیرومند خود خواهد رسید. نزدیک به یک قرن پس از تصمیم گیری کنفرانس بین المللی سوسیالیست ها، در سال ۱۹۱۰، و پیشنهاد کارلار تستکین برای نام گذاری این روز به عنوان روز همبستگی با مبارزه زنان جهان، مبارزه برای رفع تبعیض جنسی و برابری واقعی مراحل گوناگونی را پشت سر گذاشته و دست آورد های مهمی را کسب کرده است. توفیق در بالا بردن سطح آگاهی عمومی در رابطه با نقش زنان در جامعه و به دست آوردن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان توانسته است که شرایط مبارزه برای عدالت جنسی را دگرگون کند. نقش قاطع و تعیین کننده زنان در جنبش های جهانی برای ارتقاء حقوق زحمتکشان، دستیابی به صلح و حفظ محیط زیست، از جمله دست آوردهای ارزشمندی است که جنبش جهانی زنان به آن می بالد.

زنان مبارز ایران!

از برگزاری نخستین جشن روز جهانی زن در ایران، در ۱۷ اسفندماه (۸ مارس) ۱۳۰۱، به ابتکار زنان پیشرو میهن ما در "انجمن پیک سعادتمندان"، ۸۵ سال می گذرد. در طول این ۸۵ سال با وجود همه دشواری ها و سیاست های سرکوبگرانه رژیم های حاکم بر کشور، این جشن خجسته همواره در ابعاد گوناگون برگزار شده است. جشن های ۸ مارس همه ساله عرصه ارزیابی دستاوردهای جنبش مبارزاتی زنان، بررسی شرایط عینی و ذهنی مبارزه در پیش رو، و تجدید عهد برای تلاش بیشتر برای غلبه بر موانع و دشواری های اجتماعی پیش رو است. صفحات تاریخ معاصر میهن مان به حق مشحون از مبارزات تحسین برانگیز زنان کشور در مقاطع تعیین کننده ای همچون جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن صنایع نفت کشور، مبارزات انقلابی بر ضد رژیم دیکتاتوری شاه، انقلاب بهمن ۱۳۵۷، مبارزه برای صلح و برای خاتمه جنگ هشت ساله ایران - عراق، و مبارزه بر ضد سیاست های ارتجاعی رژیم "ولایت فقیه" است. سرکوب خشن حقوق زنان نزدیک به سه دهه گذشته همواره با مقاومت قهرمانانه و مبتکرانه زنان میهن ما رو به رو بوده است. پیکار حماسی زندانیان سیاسی زن، از جمله قهرمانانی همچون رفیق شهید فاطمه مدرس، در زندان های قرون وسطایی و در مقابله با شکنجه های ضد انسانی دژخیمان رژیم، از صفحات درخشان جنبش رهایی بخش مردم میهن ما در پیکار بر ضد استبداد حاکم است.

زنان میهن ما ده سال پیش، و در شرایطی که نیروهای مدافع اصلاحات با شعار های ایجاد جامعه مدنی، گسترش دموکراسی و احترام به حقوق انسانی و اجتماعی زنان در عرصه مبارزات سیاسی کشور ظاهر شدند، و در همکاری پیگیر و ستودنی با جوانان، توانستند صفحه درخشان دیگری در تاریخ معاصر کشور ایجاد کنند. شکست نماینده رژیم ولایت فقیه در رفاندن ۲ خرداد ۱۳۷۶، به میزان قابل توجهی محصول کار و فعالیت زنان، جوانان و دانشجویان بود.

جنبش مستقل زنان میهن ما در سال های اخیر دست آورد های ارزنده ای به همراه داشته است. ایجاد شمار زیادی از تشکلهای صنفی و اجتماعی، تلاش تحسین برانگیز در زمینه بالا بردن آگاهی اجتماعی، خصوصاً در میان زنان زحمتکش، در کنار کار گسترده فرهنگی و اجتماعی بی شک نقش موثری در زمینه سازمان دهی جنبش مستقل زنان میهن ما داشته و خواهد داشت و باید تلاش ها را

* تدابیر پیش‌گیرانه رژیم برای مقابله با مردم در آستانه سال نو

“به قضات تاکید کردیم که اگر کسی از شادی مردم، سوءاستفاده و به اخلال در نظم مردم اقدام کرد و این موضوع توسط نیروی انتظامی و ضابطان گزارش شد، حتما تا نیمه دوم فروردین، آن فرد را در بازداشت نگه دارند و اجازه ندهند افرادی که در این ایام دستگیر می‌شوند با تامين‌های دیگری آزاد شوند.” این بخشی از سخنان دادستان عمومی و انقلاب تهران سعید مرتضوی است که در ارتباط با فرارسیدن عید نوروز و استقبال مردم از مراسم پیش از نوروز بیان شده است. وی در گفت‌وگویی که در رسانه‌ها انعکاس یافت با اشاره به این که چهارشنبه هفته آینده، آخرین چهارشنبه سال است [از آن جا که وی مانند سایر رهبران ارتجاعی حکومت با هرگونه سنت غیراسلامی مخالف است، از بردن نام جشن چهارشنبه سوری طفره می‌رود.] از هم‌اکنون مردم را تهدید می‌کند که رژیم تدارکات لازم را برای مقابله با هرگونه اتفاقی را دیده است. شکی نیست که رژیم نگران از آن است که مردم در آستانه سال نو با شادی و برگزاری باشکوه نوروز و مراسم مرتبط با آن به نحوی اعتراض و نفرت خود را از تاریک‌اندیشی نشان دهند. علاوه بر این نیروهای امنیتی و نظامی ارتجاع حاکم از هرگونه تجمع و گردهمایی مردم بیمناک هستند. زیرا که از درصد بالای نفرت مردم میهن ما باخبرند و این احتمال را می‌دهند که مردم و به‌ویژه جوانان از فرصت‌هایی چون برگزاری مراسمی مانند چهارشنبه‌سوری استفاده کرده و خشم و نفرت خود را نسبت به حکومت استبدادی نشان دهند. باید عنوان کرد که در سال‌های گذشته نیز در بسیاری از شهرهای کشور ما شاهد مقابله و جنگ و گریز نیروهای امنیتی رژیم در آستانه نوروز با مردم بوده‌ایم. اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم در چهارشنبه سوری و مراسم سیزده بدر هر سال شدت بیشتری یافته است. درست به همین جهت است که دادستان عمومی تهران از هم‌اکنون خط و نشان می‌کشد. وی در همین زمینه هشدار می‌دهد: “پیش‌بینی‌های لازم برای چهارشنبه آخر سال انجام شده و اقدامات پیشگیرانه نیز صورت گرفته است؛ اگر افرادی بخواهند هنجارشکنی کنند از شادی مردم سوءاستفاده کنند و نظم عمومی را مختل کنند با آنها برخورد می‌شود.” با این وجود باید اشاره کرد که تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که مردم دیگر به این‌گونه تهدیدها و قوی نمی‌گذارند و از هر امکانی برای شادی و سرزندگی و مقابله با رژیم استفاده می‌کنند.

* از سیاست حذف کاندیداها تا حمله و ارباب توسط گروه‌های فشار

در هفته جاری، در جریان نمایش “انتخابات” در رژیم ولایت فقیه، که مردم به درستی نام آن را “خیمه‌شب‌بازی انتخابات” و انتصابات گذاشته‌اند، در کنار توطئه‌های گوناگون نیروهای ارتجاع که از ماه‌ها قبل برای حذف رقبای خود تدارک دیده شده بود، اکنون نوبت حضور گروه‌های فشار که همان چماق‌داران و فالانژهای بعد از انقلاب هستند، رسیده است. با این تفاوت که این گروه‌های فشار نسبت به قبل دیگر ماهیت خود را پنهان نمی‌کنند و در سایه حکومت دیکتاتوری، سازماندهی شده عمل می‌کنند. ما رد پای این گروه‌ها را در سال‌های اخیر در سرکوب تجمعات جنبش دانشجویی و جنبش زنان بارها دیده‌ایم. فریب کاری مقامات و مسئولین دولتی در این‌جا است که آن‌ها می‌خواهند این‌گونه وانمود کنند که این‌ها در واقع بخشی از مردم هستند که به دفاع از نظام و اسلام به وظیفه شرعی خود عمل می‌کنند.

اما آنچه که این روزها فعالیت این گروه‌های فشار را بر سر زبان‌ها انداخته، اقدامات و حملات آن‌ها در ارتباط با انتخابات مجلس است که بسیاری از مردم را به یاد حمله گروه‌های چماق‌دار به سازمان‌ها و احزاب پس از انقلاب می‌اندازد. برای مثال طبق گزارش سایت “نوروز” گروه‌های موسوم به لباس شخصی‌ها که همان گروه‌های فشار هستند، در روز چهارشنبه به ستاد انتخاباتی اصلاح‌طلبان و جبهه مشارکت در نازی آباد، در جنوب تهران، حمله کرده و به تخریب و پاره کردن پوسترها و پلاکاردهای این مکان پرداختند. آن‌گونه که گزارش شده است، این گروه‌ها به‌ویژه هرکجا که عکس‌های خاتمی را می‌دیدند به پاره کردن و آتش زدن آن می‌پرداختند. در پایان این عملیات این افراد با نوشتن شعار از جمله “خاتمی خائن است!” و تهدید مخالفان با دگراندیشان به اصطلاح اتمام حجت کردند. گویا که از منظر هواداران ذوب در ولایت بیرون راندن و حذف رقبای انتخاباتی توسط شورای نگهبان و مجریان انتخاباتی کافی نیست و باید با وسایل دیگر از جمله مداخله باندهای فشار آنچه را که مطلوب ولی فقیه است از صندوق‌های انتخاباتی بیرون آورد. در اقدام دیگری، بیش از ده‌ها تن از اعضای ستاد ائتلاف اصلاح‌طلبان که در میادین و خیابان‌های تهران در حال پخش اقلام تبلیغاتی این ائتلاف بودند توسط نیروی انتظامی به دلایل نامشخص دستگیر شده و به مکان نامعلومی روانه گردیدند. بر اساس گزارش رسانه‌های موسوم به اصلاح‌طلب تلاش‌های مسئولین این جریان برای رهایی این تعداد از هواداران خود تا کنون بی‌نتیجه مانده است. در حمله دیگری که گروه‌های فشار محرک آن بودند دست کم یک تن از اعضای شاخه جوانان جبهه مشارکت مجروح و روانه بیمارستان گردید. از سایر شهرهای دیگر نیز گزارش‌های مشابهی مبنی بر حضور نیروهای سرکوب‌گر انعکاس یافته است که همه به قصد مرعوب کردن مردم صورت گرفته است. بدون شک حضور این نیروها در میادین و مراکز اصلی شهرها دلیل دیگری نیز دارد و آن نگرانی رژیم استبدادی از اعتراضات احتمالی مردم جان‌به‌لب رسیده میهن ما است. با توجه به آن چه که گذشت سوال این‌جا است که بخشی از نیروهای هوادار خاتمی به چه امیدی برخلاف وعده‌های خود مانند این که ما “هیزم انتخاباتی نخواهیم شد” و این که “اصلاح‌طلبان نیز خط قرمز دارند” رفته رفته تن به شرکت در این نمایش که همه اجزاء آن از پیش تعیین شده است، دادند؟ امروز سوال مردم از اصلاح‌طلبان این است که پس خط قرمز شما کجا است؟



* یک اقدام بی‌سابقه در همبستگی با کارگران و زحمت‌کشان ایران

کارزار بین‌المللی همبستگی کارگران جهان با کارگران و زحمت‌کشان ایران و نمایندگان زندانیان، این همبستگی ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد. روز ششم مارس (۱۵ اسفند ماه) ده‌ها اتحادیه کارگری، از ۴۱ کشور در پنج قاره، با برپایی میتینگ و گردهمایی‌ها خواهان آزادی منصور اسانلو و سایر کارگران زندانی در اسارت‌گاه‌های رژیم شدند. ابتکار این اقدام از سوی فدراسیون بین‌المللی کارگران حمل و نقل، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و سازمان عفو بین‌الملل بود. و دلیل اصلی آن بازداشت و محکومیت منصور اسانلو دبیر هیئت مدیره سندیکای کارکنان شرکت واحد تهران و حومه بود. وی که برای چندمین بار زندانی می‌شود، این بار به اتهامات واهی از جمله “اقدام بر ضد امنیت ملی” و “تبلیغات بر ضد نظام” به پنج سال زندان محکوم شده است و اینک ماه‌ها است که در زندان به سر می‌برد. اتحادیه‌های کارگری در این رابطه اقدامات جالبی مانند تظاهرات در مقابل نمایندگی‌ها و سفارت‌خانه‌های رژیم، نوشتن نامه و کارت‌های اعتراضی و حضور در بندرهای بارگیری و مسیر حمل و نقل قطارهای اروپایی پشتیبانی خود را از مبارزات طبقه کارگر ایران ابراز کردند. در این میان چاپ و پخش اعلامیه‌ها و بیانیه‌های همبستگی جای ویژه‌ای داشت. این روز اعتراضی یک بار دیگر توجه افکار عمومی را به وضعیت کارگران میهن ما که در شرایط دشواری از نظر حقوق انسانی و اجتماعی به‌سر می‌برند، جلب کرد. به‌خصوص از این زاویه که خواست ایجاد سندیکاهای مستقل کارگران و به رسمیت شناخته شدن حقوق سندیکایی یکی از شعارهای برجسته در این روز بود.

این چندمین بار است که تلاش‌های اتحادیه‌های کارگری در بسیاری از کشورها برای آزادی رهبران سندیکایی دستگیر شده توجه محافل کارگری را به خود جلب کرده است. این پشتیبانی بدون شک مایه دل‌گرمی بیش از پیش کارگران و زحمت‌کشان ایران است. این اقدامات و همبستگی بین‌المللی کارگران یک بار دیگر نشان‌دهنده این مهم است که زحمت‌کشان و کارگران سلاحی جز وحدت و همبستگی چه در صحنه کشوری و چه در عرصه جهانی ندارند. بنابر این باید این‌گونه اقدامات را به فال نیک گرفت و آن را تقویت و پشتیبانی کرد.

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

چنان است که حتی جبهه مشارکت، در بیانیه تحلیلی خود در زمینه انتخابات، اشاره می کند که: "واقعیت این است که دایره عمل اصلاح طلبی در انتخابات مهندسی و مدیریت شده پیش رو بسیار محدود و تنگ شده و درست است که اکثریت چهره های مشهور اصلاح طلب در انتخابات آینده به تیغ ناصواب نظارت استصوابی شورای نگهبان قلع و قمع شده اند..." و در همین اعلامیه در جای دیگری می خوانیم که: "آنان کسانی را می خواهند که به جای سیاست ریزی قانونی و مدنی با تکیه بر سازمان دهی های نظامی و امنیتی، قدرت یکپارچه را چنانکه خود می گویند به انحصار کامل در آورند... آن ها حتی نمی خواهند کسانی به مجلس راه پیدا کنند که سکوت کنند بلکه می خواهند تنها کسانی در صحنه باشند که بطور مطلق از هر چه و هر که جریان یکپارچه قدرت می خواهد حمایت کنند."

و محمد رضا خاتمی در پاسخ به اینکه چرا باید با توجه به همه این مسایل در انتخابات شرکت کرد، می گوید: "با توجه به شرایط ایران تنها راهی که وجود دارد حضور در قدرت است... با توجه به وضعیتی که همه با آن آشنا هستند کنار کشیدن از چنین عرصه هایی به نوعی مرگ سیاسی است و ما سرنوشت گروه هایی که به این سمت رفته اند را دیده ایم."

حزب توده ایران، در هفته های اخیر ضمن هشدار باش به نیروهای اصلاح طلب در زمینه همکاری با برنامه های ارتجاع برای برگزاری یک انتخابات نمایشی، اعلام کرده بود که این همکاری تنها به از بین رفتن بیش از پیش اعتبار و پایگاه اجتماعی این نیروها منجر خواهد شد. با توجه به موضع گیری های روزهای اخیر باید گفت که رهبری این نیروها، همچون گذشته، نه تنها از تجربیات تلخ سیاست مامشات و تن دادن به خواست های ارتجاع، زیر لوی "حفظ نظام و اسلام"، که سرانجامش شکست برنامه ها و قول های دولت خاتمی و مجلس ششم و همچنین تسلیم شدن این نیروها به تقلبات وسیع رژیم ولایت فقیه و ارکان های نظامی-انتظامی آن و برگماری احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور بود، درس نگرفته است بلکه همچنان بر آموذن سیاست های نادرست گذشته پا می فشارد و بدین ترتیب عملا به چرخ ارابه برنامه های ارتجاع حاکم در شرایط کنونی بدل می شود. بی منطقی و نادرستی ادعای اینکه عدم شرکت در انتخابات در شرایط کنونی، که اکثریت قاطع مردم و نیروهای ملی و مردم کشور انتخابات را بی ثمر و نمایشی و برای تأیید مهره های دست چین شده ارتجاع می دانند، خودکشی سیاسی است و گویا شرکت در انتخابات تنها راه ماندگاری سیاسی است، بیش از هر امری نشانگر بی اعتقادی این نیروها به مردم و خواست های جنبش مردمی است. واقعیت این است که، پشت پرده این ادعاها نگرانی رهبری اصلاح طلبان حکومتی از کنار گذاشته شدن کامل آنها از "دایره خودی های نظام" و هراس عمیق این نیروها برای عبور از "خط قرمز التزام به ولایت مطلقه فقیه" و استبداد عنان گسیخته است.

"راه نجات" ایران همکاری و تن دادن به سیاست های ماجراجویانه، استبدادی و خانمان برانداز رژیم حاکم نیست. باید به جبهه مشارکت و همراهان آن یاد آوری کرد که اتفاقا در این انتخابات اکثریت قاطع جنبش مردمی و نیروهای ملی و آزادی خواه کشور با قاطعیت تمام به نمایش انتخاباتی رژیم "نه" گفته اند و کسانی که در مقابل این خواست عملا در جبهه واحدی با انحصار طلبان و تاریک اندیشان حاکم قرار گرفته اند کارشان خودکشی سیاسی و از بین رفتن بیش از پیش پایگاه اجتماعی شان است.

حزب توده ایران، در کنار اکثریت قاطع مردم، نیروهای اجتماعی: کارگران و زحمتکشان، زنان مبارز و دانشجویان آزادی خواه و همه نیروهای ملی و آزادی خواه کشور، به نمایش انتخاباتی رژیم فقیه "نه" می گوید و آن را نمایشی تکراری از انتصابات حکومتی به جای انتخابات مردمی می شمارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۱ اسفندماه ۱۳۸۶

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت درگذشت رفیق مریم فیروز



رفیق مریم فیروز، پس از سال ها مبارزه در راه آزادی میهن و تلاش برای رهایی زنان از چنگال ارتجاع، ستم جنسی و طبقاتی، در سن ۹۴ سالگی چشم از جهان فرو بست. رفیق مریم در سال ۱۲۹۲ متولد شد و در شرایط اوج گیری نهضت ملی و ضد استعماری میهن ما، در سال ۱۳۲۳ به صفوف حزب توده ایران پیوست و تا پایان عمر به اعتقادات خود وفادار ماند.

رفیق مریم از سال ۱۳۲۷، با هجوم رژیم شاه به حزب، به زندگی مخفی روی آورد، و در پی کودتای ۲۸ مرداد در مهاجرتی ناخواسته راهی اتحاد شوروی و سپس جمهوری

دموکراتیک آلمان شد. رفیق مریم در آلمان مدرک دکترای زبان فرانسه را اخذ کرد و در یکی از دانشگاه های این کشور به تدریس زبان فرانسه پرداخت. مریم فیروز در دوران مهاجرت فعالیت های سیاسی خود را پی گرفت و اوقات فراغت خود را نیز به ترجمه و نوشتن می گذراند. از رفیق مریم نوشته های گوناگونی در نشریات حزبی، از جمله دنیا و همچنین کتاب های "گفتاری چند از بزرگان درباره زن"، و کتاب خاطراتش به عنوان "چهره های درخشان" به جای مانده است.

با اوج گیری مبارزات تاریخی مردم میهن ما بر ضد رژیم شاهنشاهی و تشدید و گسترش فعالیت های حزب، رفیق مریم، در سال ۱۳۵۷، به عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب شد و در اوایل سال ۱۳۵۸، پس از پیروزی انقلاب بهمن، به ایران بازگشت.

مریم فیروز پس از بازگشت به میهن از سوی حزب مسئول احیاء و گسترش فعالیت های "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" گردید و در شرایط حساس و پیچیده سال های نخستین پس از پیروزی انقلاب نقش موثری در فعالیت ها و مبارزات حزبی و خصوصا در عرصه تشکل، سازماندهی و آشنا کردن زنان با قوانین دست و پا گیر و زن ستیز جمهوری اسلامی و راهنمایی آنان برای مبارزه ای کارا برای احقاق حقوقشان، ایفاء کرد و رهبری فعال برای "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" بود. رفیق مریم فیروز در جریان پلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران به عضویت هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب انتخاب شد.

با خیانت سران رژیم به جنبش مردمی و هجوم ددمنشانه مزدوران رژیم ولایت فقیه به حزب توده ایران، رفیق مریم فیروز و همسرش، رفیق نورالدین کیانوری در بهمن ماه ۱۳۶۱ دستگیر و روانه شکنجه گاه های رژیم شدند. دژخیمان استبداد برای فشار به رفیق مریم و همسرش حتی دختر و نوه ۹ ساله شان را هم به بند کشیدند و مورد آزار قرار دادند. مزدوران رژیم برای لطمه زدن به اعتبار و تاریخ درخشان مبارزات طبقه کارگر ایران همه امکانات خود را برای درهم شکستن انسان های مبارزی که عمر خود را در راه مبارزه برای اعتقادات شان سپری کرده بودند، به کار گرفتند.

رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۶۹ از زندان آزاد شد و در تهران، به همراه رفیق کیانوری، در خانه ای که زیر نظر نیروهای امنیتی رژیم بود، زندگی می کرد. مریم فیروز بخش اساسی زندگی را در مبارزه، غربت، و در زندان سپری کرد. سرانجام رفیق مریم فیروز، مبارز راه صلح، آزادی و حقوق زنان، با دست های خونین جلا دادن رژیم عمیقاً ضد مردمی "ولایت فقیه" پنهان از همه آشنایان و یارانش در گور نهاده شد.

یادش گرامی باد!
کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۳ اسفندماه ۱۳۸۶

ادامه شاد باش نوروزی ...

ما در آستانه فرا رسیدن سال ۱۳۸۷، شاهد برگزاری نمایش های رسوای مرتجعان حاکم به نام "انتخابات" بودیم که حتی در تاریخ ۲۹ ساله رژیم ولایت فقیه کم سابقه است.

در این نمایش "انتخاباتی" علاوه بر رد صلاحیت هزاران نامزد مستقل، دگر اندیش و مخالف استبداد مطلقه، روند برگزاری انتخابات، تقلبات و دخالت گسترده نیروهای انتظامی و نظامی، دستگیری و ضرب و شتم ناظران بی طرف و حتی اخراج روزنامه نگاران مستقل از وزارت کشور و همچنین نحوه مشکوک شمارش و اعلام نتایج "انتخابات" جای شک و شبهه ای درباره اعتبار این نمایش مفتضح مرتجعان حاکم باقی نمی گذارد. هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه روز برگزاری "انتخابات" با اعتراف ضمنی به عدم استقبال گسترده مردم از نمایش انتخاباتی مرتجعان حاکم شرکت نکردن در "انتخابات" را خود زنی و بی حاصل دانست و مدعی شد که مردم باید از حق رای خود استفاده کنند. البته رفسنجانی اشاره نکرد در حالی که مرتجعان حاکم جلو شرکت هزاران نامزد مستقل در انتخابات را گرفته اند مردم چگونه می توانند از حق خود برای انتخاب نمایندگانشان استفاده کنند.

گزارش های رسیده حاکی از پاسخ شایسته مردم به این خیمه شب بازی ارتجاع و بی اعتنائی کامل آنها به روندی است که حاصل اش بی شک شکل گیری مجلسی است که در اساس با مهره چینی ارتجاع تشکیل می شود و هدف اساسی اش نیز خدمت به برنامه های استبداد حاکم است. واقعیت امروزین کشور ما نشانگر جامعه ای است که در بحران سیاسی - اقتصادی دست و پا می زند و نیازمند تغییرات اساسی در شیوه و اساس حکومت مداری است. تجربه سال های اخیر، از جمله تلاش هشت ساله برای اصلاحات از درون نشان می دهد که بدون مبارزه سازمان یافته و هماهنگ همه گردان های اجتماعی و نیروهای ملی و آزادی خواه کشور، حول یک برنامه حداقل مشترک، نمی توان ارتجاع حاکم و برنامه های آن را با شکست رو به رو کرد. باید همه تلاش ها را برای غلبه بر این ضعف اساسی جنبش مردمی میهن به کار گرفت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن شادباش مجدد فرا رسیدن سال نو و نوروز ۱۳۸۷، امیدوار است که سال نو سال اعتلای جنبش مردمی، سال برداشتن گام های بلند در راه اتحاد نیروهای ملی و آزادی خواه و سال تشدید مبارزه بر ضد استبداد حاکم و طرد رژیم ولایت فقیه به عنوان سد اساسی تحولات پایه ای، دموکراتیک و پایدار در میهن ما باشد.

نوروز تان پیروز باد!

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد

دیگتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت
اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۴ اسفندماه ۱۳۸۶

ادامه سرمایه داری بوروکراتیک ...

آوری ثروت مشغول هستند، یکی از پایه های اصلی رژیم خود کامه و واپس مانده ولایت فقیه را تشکیل می دهد.

در سال های اخیر، با افزایش درآمدهای نفت، این قشر فوقانی کارمندان و کارگزاران در خدمت رژیم با برداشت های غیر قانونی و فرا قانونی خود از درآمدهای ملی، بر میزان ثروت و به موازات آن نفوذ خود در حاکمیت افزوده است.

ابلاغیه اصل ۴۴ و خصوصی سازی صنایع کلیدی و مادر، امکان تازه ای را برای غارتگری در اختیار این لایه طفیلی قرار داده است.

افزایش بودجه شرکت های دولتی و شبه دولتی در لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ و اعلام اینکه بخش اعظم این شرکت ها قرار است بر اساس ابلاغیه مذکور به بخش خصوصی واگذار شود، سبب گردیده از هم اکنون مدیران ارشد و کارمندان عالی رتبه تدارک لازم را برای این انتقال با کسب رشوه و مبالغ کلان ببینند.

به علاوه طرح اصلاح ساختار اقتصادی در دولت کنونی به تثبیت موقعیت این لایه و ثروت اندوزی آن کمک موثری می کند. چندی پیش، همزمان با انتشار نامه مظاهری رییس بانک مرکزی جمهوری اسلامی در باره آمار وحشتناک ایجاد اشتغال در استان قم طبق طرح بنگاه های زود بازده، پاسدار عباس محتاج از استانداری قم به معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور انتقال داده شد. بر پایه آمار رییس بانک مرکزی میلیاردها تومان منابع مالی که برای طرح های عمرانی و تقویت بنگاه های زود بازده اختصاص داده شده بود، در استان قم ناپدید و یا خلاف واقعیت گزارش شده اند. در نامه رییس بانک مرکزی آمده بود: "بررسی بودجه های کلان برای اشتغال زایی تنها در یک استان (استان قم) نشان می دهد که ۴۶ درصد از طرح های زود بازده که موفق به دریافت وام شده اند، اصلاً وجود خارجی ندارند."

پایگاه خبری "دسترنج" در خصوص این خبر ۱۰ بهمن ماه نوشت: "منابع آگاه اعتقاد دارند که نامه طهماسب مظاهری، رییس کل بانک مرکزی در باره آمار وحشتناک طرح های مربوط به ایجاد اشتغال در استان قم، یکی از دلایل جابجایی عباس محتاج (پاسدار و از فرماندهان اصلی سپاه، که در یک دوره هم فرمانده نیروی دریایی) بوده است."

به علاوه رییس بانک مرکزی در اوایل اسفند ماه در جمع اعضای اتاق بازرگانی در خصوص حیف و میل و دزدی های کلان از درآمد کشور رسماً اعتراف کرده بود: "چالش جدیدی در اقتصاد ایران تحت عنوان سیری ناپذیری شکل گرفته است که می توان آن را به بیماری استسقاء تشبیه کرد (بیماری استسقاء مرضی است که موجب می شود آب در انساج شکم جمع شود) زمانی ۱۴ تا ۱۷ میلیارد دلار تزریق می کردیم و اکنون که ۴۰ میلیارد دلار هم تزریق می کنیم، هنوز این عطش وجود دارد، افزایش تزریق پول به سرمایه گذاری و تولید منجر نشده و به رشد تورم انجامیده است."

سرمایه داری بوروکراتیک در کنار و با هم دستی سرمایه داری تجاری تصاحب کنندگان این ۴۰ میلیارد ها و مبتلایان به بیماری مورد اشاره رییس بانک مرکزی هستند. سرمایه داری بوروکراتیک از لحاظ تاریخی در راستای تکامل سرمایه داری وابسته گام بر می دارد و برای حفظ مقام و موقعیت و منافع خود به مصالح ملی خیانت می کند. این بورژوازی طفیلی، نیروی ذخیره ارتجاع و امپریالیسم در میهن ماست و با هرگونه تحول بنیادی و تغییرات دموکراتیک در جامعه به شدت مخالفت می ورزد.

سرمایه داری بوروکراتیک به عنوان نیروی ذخیره ارتجاع و متحد کنونی سرمایه داری تجاری از عوامل اصلی سد راه تکامل ایران محسوب می شود و در عین حال همراه با سرمایه داری تجاری دو ستون اصلی رژیم ولایت فقیه در لحظه تاریخی فعلی را تشکیل می دهند.

تحدید و سپس از بین بردن نقش سرمایه داری بوروکراتیک نوین در حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از مهم ترین اهداف مبارزاتی جنبش ملی و دموکراتیک ایران به شمار می آید. بدون از میان برداشتن این لایه طفیلی از حیات جامعه، هرگونه تحول مترقی و مردمی امکان ناپذیری می گردد!

آزادی برای همه زندانیان سیاسی
ایران!

در طول سال گذشته، کارگران قهرمان این واحد تولیدی بیش از ۱۰ بار در اعتراض به رکود در کارخانه و طرح خصوصی سازی دست به اعتصاب زدند و خواستار حل مسایل و تامین امنیت شغلی خود شدند.

مبارزه کارگران در اوضاعی صورت می گیرد که با طرح دولت ضد ملی احمدی نژاد، هزاران تن شکر توسط تجار عمده معروف به مافیای شکر از خارج وارد کشور شده و عملاً قریب به ۴۰ کارخانه تولید قند و شکر در ایران را ورشکسته ساخته است.

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه بازتاب وسیعی در میان زحمتکشان کشور به ویژه در استان خوزستان داشته و مقامات رژیم ولایت فقیه می کوشند به هر شکل ممکن مانع از گسترش دامنه این اعتصاب گردند. پایگاه خبری "شهاب نیوز"، در گزارشی پیرامون این اعتصاب بزرگ از جمله نوشت: "این اعتصابات که ابتدا اعتراضی صنفی بود عملاً اکنون به یک مسئله سیاسی-امنیتی تبدیل شده است. تا آنجا که این کارخانه تولیدی را به یک کارخانه خبر سازی سیاسی تبدیل کرده است." این برای نخستین بار نیست که ارگان ها و رسانه های در خدمت ارتجاع حاکم و وابسته به رژیم مبارزات به حق زحمتکشان را "امنیتی" و مرتبط با "برون مرز" معرفی می سازند. زحمتکشان کشور از جمله کارگران نیشکر هفت تپه به حق و به شکل قانونی و علنی حقوق صنفی و سیاسی خود را طلب می کنند. این مبارزات را نمی توان با برچسب زنی نادیده گرفت و یا نابود ساخت!

آیا عیدی بازنشستگان پرداخت خواهد شد؟!

در آستانه نوروز، میلیون ها تن از بازنشستگان کشور در انتظار دریافت عیدی خود هستند، اما تاکنون به دلایل نامشخصی میزان و زمان پرداخت عیدی قانونی آنها اعلام نشده است.

در اوایل اسفند ماه مدیر کل امور فرهنگی و اجتماعی بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی، در گفت و گویی با رسانه های همگانی یاد آوری کرده بود: "تا میانه اسفند ماه عیدی به بازنشستگان پرداخت خواهد شد، اما از میزان دقیق آن اطلاعی ندارم.!!!"

از سوی دیگر رییس کانون بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی تاکید کرد: "حداقل عیدی باید بیش از ۲۰۰ هزار تومان باشد، بعلاوه ما منتظر پرداخت این بن معیشتی بازنشستگان که بالغ بر ۷۵ هزار تومان است، همراه با عیدی هستیم."

به هر جهت برخلاف رسم معمول و مدت زمان قانونی، در آستانه نوروز حتی ۱ ریال هم به عنوان عیدی به بازنشستگان و مستمری بگیران تعلق نگرفته است. در این باره خبرگزاری "مهتر"، ۱۴ اسفند ماه، در گزارشی با نام "عیدی بازنشستگان تامین اجتماعی، شاید ۲۰۰ هزار تومان، شاید وقتی دیگر" ضمن اعلام ناراضی گسترده بازنشستگان و خانواده های آنان و هشدار نسبت به پیامدهای اجتماعی این مسئله از جمله خاطر نشان ساخت: "با وجود آنکه مسئولان سازمان تامین اجتماعی وعده داده بودند که عیدی بازنشستگان تامین اجتماعی نهایت تا ۷ اسفند ماه پرداخت می شود، این امر محقق نشده است، پرداخت عیدی بازنشستگان همواره با وعده و عیدهایی همراه بوده است و آنان هر سال تا زمان واریز عیدی ناچیز پایان سال لحظه شماری می کنند. پدر بزرگ و مادر بزرگ هایی که بی شک بیش از سایر اقشار جامعه به عیدی پایان سال نیازمندند، ولی تاکنون به دلایل نامشخص هنوز میزان دقیق عیدی روشن نیست و حتی زمان پرداخت آن نیز در هاله ای از ابهام است."

به این ترتیب، بازنشستگان و مستمری بگیران نیز به صف میلیون ها کارگر، کارمند و مزد بگیر کشور پیوستند که دولت ضد ملی احمدی نژاد با وجود درآمدهای هنگفت ارزی طی ۲ سال اخیر، حاضر نیست، حقوق و منافع آنان را تامین و حق قانونی آنها را در نظر آورده و عملی سازد.

در حالی بازنشستگان از عیدی ناچیز محروم می شوند که مدیران بلند پایه، گردانندگان بنیادهای انگلی و مقامات ارشد و وزیران معم و مکلای رژیم ولایت فقیه علاوه بر درآمدهای هنگفت و حقوق و دستمزد آنچنانی، میلیون ها ریال به عنوان پاداش و عیدی در آستانه نوروز دریافت کرده اند!

از مبارزات قهرمانانه

کارگران کشور

دروغ بر کارگران مبارز نورد و پروفیل ساوه

صدها کارگر کارخانه های نورد و پروفیل ساوه از اواسط اسفند ماه در اعتراض به پرداخت نامنظم دستمزد، اخراج های پی در پی، طبقه بندی مشاغل، مخالفت با خصوصی سازی و خواست تشکیل سندیکای کارگری، در محوطه این مجتمع بزرگ تجمع و اعلام اعتصاب نامحدود کردند. این اعتصاب که با همبستگی عمیق کارگران همراه بود به برخی پیروزی ها نیز رسید.

برخی رسانه های همگانی با درج خبر این اقدام، امکان گسترش این اعتصاب به دیگر مراکز کارگری مجاور را پیش بینی کرده بودند.

پایگاه خبری "دسترنج"، ۱۴ اسفند ماه، با انتشار خبر این اعتصاب نامحدود از جمله گزارش داد: "بیش از ۴۰۰ تن از کارگران واحد بزرگ تولیدی نورد و پروفیل ساوه به اعتصاب نامحدود دست زده و نمایندگان آنها تاکید دارند که در صورتیکه کارفرما به خواسته های شان توجه نکند، به اعتصاب تا حصول نتیجه لازم ادامه خواهند داد. طبق اخبار شنیده شده، نیروهای انتظامی (و بسیج) با حضور و استقرار در اطراف کارخانه از خروج کارگران و کشیده شدن دامنه اعتراضات به بیرون کارخانه جلوگیری کرده اند. همچنین نیروهای امنیتی با استفاده از چترهای ویژه که باعث کور شدن تلفن های همراه می شود، مانع از ارتباط کارگران با بیرون از مجموعه کارخانجات شده اند."

پایگاه خبری "دسترنج" در ادامه گزارش خود می افزاید: "یکی از نمایندگان کارگران تاکید داشت، کارفرمای این مجتمع عظیم صنعتی از نیروهای انتظامی خواسته است که در صورت خروج کارگران به شدت با آنان برخورد شود. مسئولان اداره کارو امور اجتماعی شهرستان ساوه که در میان کارگران حاضر شده بودند نیز با حمایت از کارفرما خواستار بازگشت کارگران به کار شدند."

اعتصاب نامحدود کارگران جان به لب رسیده در آستانه اعلام میزان حداقل دستمزدها برای سال آینده، خط بطلانی است بر تبلیغات پوچ وزارت کار و شخص وزیر کار که تاکید کرده و می کند که سیاست های دولت نهم سبب کاهش چشمگیر "بحران های کارگری" شده است.

درعین حال طبقه کارگر هوشیار ایران با اعتراضات خود نظیر اعتصاب نامحدود کارخانجات بزرگ نورد و پروفیل ساوه، ناراضی و مخالفت قاطع خود را با برنامه و سیاست های ارتجاع حاکم در همه عرصه ها اعلام می دارد!

هزاران کارگر مجتمع نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب

زدند!

از بامداد روز ۱۵ اسفند ماه هزاران کارگر مجتمع بزرگ نیشکر هفت تپه واقع در استان خوزستان، در اعتراض به دستمزدهای معوقه، پرداخت نشدن دو ماه حقوق و پاداش و عیدی سالیانه و خواست جلوگیری از ورشکستگی و تعطیلی این مجتمع عظیم صنعتی کشور، دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند. در این اعتصاب بیش از ۳۵۰۰ تن از کارگران به صورت متحد و یکپارچه شرکت کرده و در اولین اقدام بطور دست جمعی در برابر در ورودی این مجتمع تحصن کردند. ورشکستگی و رکود این مرکز استراتژیک صنعتی-کشاورزی کشور، که در نوع خود در خاورمیانه بی همتاست، از مدتی پیش با واردات بی رویه شکر از خارج آغاز شد. این رکود بی سابقه منجر به اخراج های گسترده، عدم پرداخت بموقع دستمزد ها و زمزمه خصوصی سازی این واحد بزرگ گردیده است.



و ساختارهای حزبی در کنگره ۱۸ حزب کمونیست آلمان شرکت داشتند. ۳۶ درصد نمایندگان کنگره زن و ۸۴ درصد عضو سندیکاهای کارگری آلمان بودند. حدود ۱۰۰ تن از نمایندگان کنگره کارگر و کارمند، ۱۱ تن کارگر بیکار و ۲۴ نفر بازنشسته بودند. یکی از ویژگی‌های چشمگیر این کنگره حزب کمونیست آلمان، حضور محسوس کمونیست‌های جوان آلمان در بحث‌ها بود. این خود انعکاسی از این حقیقت است که در فاصله بین دو کنگره اخیر حزب، متوسط سن نمایندگان کنگره پنج سال کاهش یافته است.

حضور پررنگ چندین رسانه خبری و تلویزیون منطقه ای در مراسم افتتاحیه و بحث‌های روز شروع کنگره، به خوبی نمایشگر اهمیت فزاینده فعالیت‌های حزب کمونیست آلمان، و توجه ویژه افکار عمومی این کشور به شروع دور جدیدی از مبارزات مبتکرانه کمونیست‌های آلمانی است. البته بخشی از این توجه رسانه‌های خبری در رابطه با کارزار ضد کمونیستی محافظ راست کشور برای غیرممکن کردن ادامه فعالیت پارلمانی رفیق "گریستل وگنر"، عضو حزب کمونیست، که در چارچوب لیست انتخاباتی "چپ" در منطقه "لوتز ساکسونی" به پارلمان منطقه ای راه یافته است، بود. رسانه‌های خبری راست آلمان در بهمن ماه کارزار بی‌شرمانه‌ای را بر ضد رفیق "وگنر" به خاطر مواضع پیکیرش در دفاع از تاریخ جنبش کمونیستی آلمان دامن زدند. کنگره با قردادانی و تجلیل از ایستادگی اصولی رفیق، بر لزوم دفاع از اصول مبارزاتی حزب تاکید کرد. این برای اولین بار در پنجاه سال اخیر است که نمایندگان حزب کمونیست آلمان به پارلمان‌های این کشور راه می‌یابند.

مضمون محوری کنگره ۱۸ حزب کمونیست آلمان، اتحاد گردان‌های مختلف جنبش چپ مارکسیستی آلمان، و به ویژه بحث در مورد چگونگی و ابعاد همکاری و اتحاد انتخاباتی با حزب جدیدالتاسیس "چپ" آلمان بود. تصمیم کنگره را در رابطه با "همکاری فعال چپ" می‌توان در اساس نتیجه محوری این کنگره قلمداد کرد. به گفته صدر حزب، فقط از طریق عمل مشترک و همکاری همه نیروهای چپ می‌توان هژمونی نو لیبرالیسم را درهم شکست. "کنگره ۱۸ (د.ک.ا.پ) تصریح کرد که، بدون اتحاد‌های وسیع اجتماعی هیچ تغییری ممکن نیست، بدون جنبش‌های اجتماعی خارج از پارلمانی، بدون فعالیت بر ضد سیاست جنگ طلبانه‌ای که در صدد است بساط دموکراسی را تا آنجا که ممکن است برچیند، هیچ پیشرفتی در کشور ممکن نخواهد شد.

رفیق "هاینس اشتر"، صدر حزب کمونیست آلمان، در سخنرانی با اهمیت خود در مراسم شروع کنگره، با اشاره به کلاسیک‌های مارکسیستی، ضرورت گسترش مبارزه متحد نیروهای چپ و پرهیز از "چپ روی" را مورد تاکید قرار داد. او در شروع سخنان خود با نقل قول از "مانیفست حزب کمونیست" به اهمیت توجه به شرایط عینی جامعه، به تغییراتی که در شرایط مبارزه صورت می‌گیرد و به لزوم انعکاس دادن این تغییرات در تاکتیک‌ها و شعارهای مبارزاتی حزب و اجتناب از برخورد‌های ذهنی با تحولات توجه داد. او گفت امروز نیروهای چپ در حال قدرت گرفتن و مطرح شدن هستند، در حالی که نیروهای نو لیبرال به خاطر جنگ طلبی‌شان، به خاطر حرص و آژشان، فسادشان، و عملکرد انحصارهای چند ملیتی‌شان، مشروعیت خود را از دست داده‌اند.

رفیق اشتر در بخشی از سخنرانی خویش اظهار داشت: "بایستی گرایش به راست را متوقف ساخت، بر ضد سیاست‌های نظامی‌گری و بر ضد سیاست‌های نابودسازی دستاوردهای اجتماعی و دموکراتیک مبارزه کرد تا بتوان با تغییر در سیاست‌های حاکم، رفورم‌های واقعی در جامعه را

شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره ۱۸ حزب کمونیست آلمان

در فاصله روزهای ۳ تا ۵ اسفند ماه، شهر "موترفلدن - والدورف"، در نزدیکی فرانکفورت، در قلب آلمان، مهماندار اجلاس هجدهمین کنگره حزب کمونیست آلمان، (د.ک.ا.پ)، بود. نمایندگان نزدیک به ۳۰ حزب کمونیست از کشورهای مختلف جهان و از جمله هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، به دعوت (د.ک.ا.پ) به عنوان میهمانان بین‌المللی در این کنگره شرکت داشتند. به ابتکار حزب برادر، روز پیش از افتتاح کنگره به سمینار بین‌المللی احزاب کمونیست - کارگری تحت عنوان "در باره همکاری بین‌المللی بر ضد جنگ و در دفاع از حقوق اجتماعی و دموکراتیک" اختصاص پیدا کرد. نمایندگان احزاب برادر از آمریکای لاتین، آمریکای شمالی، اروپا، و خاورمیانه در محیطی رفیقانه با ارائه نقطه نظرات خود در رابطه با این موضوع با اهمیت برای جنبش کارگری جهان به بحث و تبادل نظر پرداختند.

رفیق "هاینس اشتر"، صدر (د.ک.ا.پ) در شروع سمینار با سخنرانی همه‌جانبه‌ای اهمیت همکاری بین‌المللی بین احزاب کمونیست را مورد توجه و تاکید قرار داد. او با اشاره به تهاجم برنامه ریزی شده "اتحادیه اروپا" برای دستبرد زدن به دستاوردهای طبقه کارگر، به مبارزه حزب و ضرورت تلاش هماهنگ احزاب کمونیست - کارگری اروپا بر ضد طرح اولیه قانون "روابط کارگری" و مصوبه اتحادیه اروپا در رابطه با طرح "انعطاف - امنیت نیروی کار"، اعلام کرد که "د.ک.ا.پ" کارزاری برای جمع‌آوری امضاء در مورد خواست برگزاری رفراندوم در مورد قانون اساسی اتحادیه اروپا به راه خواهد انداخت. رهبر حزب کمونیست آلمان، در ادامه در رابطه با مظاهر نظامی‌گری ایالات متحده و قصد آمریکا برای استقرار سیستم‌های رادار ضد موشکی در لهستان و جمهوری چک اشاره کرد که "د.ک.ا.پ" در نظر دارد که به رشد و پاگیری شبکه‌های اتحادیه‌های کارگری و هم چنین جنبش‌های ضد جنگ کمک کند. او در ادامه در رابطه با اهمیت برخی کشورها برای سیاست‌های حاکم در آلمان، عرصه‌های مشخصی از مبارزه را مورد توجه قرار داد و اشاره کرد که در آینده نزدیک برای ایجاد روابط نزدیک تر و پر بار تر با احزاب کمونیست به آفریقای جنوبی و هند مسافرت خواهد کرد. او همچنین به ضرورت توجه ویژه جنبش کمونیستی به رخدادهای بغرنج خاورمیانه اشاره کرد.

در جریان این سمینار دو قطعنامه یکی خطاب به رفیق فیدل کاسترو و قدردانی از مبارزه درخشان او در هدایت انقلاب کوبا برای پنج دهه و در شرایط دشوار تهاجم بی‌وقفه امپریالیسم و همچنین درایت او در جهت انتقال منظم و برنامه ریزی شده رهبری کشور به رفقای جوان تر و انتقال تجربیات بین نسل‌های متفاوت، و دیگری در رابطه با کارزار ضد کمونیستی مطبوعات آلمان برای فشار به رفیق "گریستل وگنر" عضو پارلمان منطقه "لوتز ساکسونی" (ساکسونی سفلا)، به تصویب رسید.

در پایان سمینار، رفقای نماینده کنگره در جریان سه جلسه ویژه در رابطه با کارزارهای جنبش کارگری در اتحادیه اروپا، آمریکای لاتین و در خاورمیانه به بحث و گفتگو با هیئت‌های نمایندگی میهمان از احزاب برادر حاضر در کنگره پرداختند. در جلسه مربوط به خاورمیانه نمایندگان حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق درباره شرایط مبارزه کنونی خود به بحث پرداختند و به پرسش‌های نمایندگان پاسخ دادند.

کنگره تدارک مبارزه متحد "چپ" آلمان

هجدهمین کنگره حزب که در چهلمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست آلمان، (د.ک.ا.پ)، نودمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست آلمان، (ک.ا.پ.د)، و نود سال پس از انقلاب نوامبر ۱۹۱۸ آلمان، انجام می‌گرفت با سخنرانی و خوش آمد گویی آقای "هاینس پیتر بکر"، شهردار شهر "موترفلدن - والدورف"، شهر محل برگزاری کنگره، آغاز شد. شهردار که خود عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان است، در سخنان خود به سنت‌های مبارزاتی "د.ک.ا.پ" که در مبارزات مردم منطقه حضور دیرپایی داشته است اشاره کرد. حمایت انتخاباتی از کاندیداهای حزب کمونیست آلمان در "موترفلدن - والدورف" قابل توجه است و اعضاء حزب در شورای شهر حضور دارند.

ترکیب نمایندگان کنگره به لحاظ شغلی و سنی و جنسی، نمایشگر ساختاری زنده و فعال و مرتبط با جامعه آلمان بود. ۱۷۴ نماینده از سازمان‌های پایه



داری در جنبش های ضد جهانی سازی، مانند "اتک" در مورد موضوع مالکیت و فرمول بندی سیاست اتحادیه ای در مناظرات اجتماعی

یادآور گردید. رفیق همچنین در باره مشکلات حزب سخن گفت و راه حل هایی به کنگره ارائه کرد.

کنگره در ادامه کار خود پس از دو روز بحث و مذاقه قطعنامه های مطرح در رابطه با برنامه مبارزاتی کمونیست های آلمان در دو سال آینده و همچنین پلاتفرم مبارزاتی در کارزارهای انتخاباتی این کشور، با انتخاب یک کمیته مرکزی ۳۴ نفره به کار خود پایان داد. رفیق "هاینس اشتر" برای یک دوره دیگر از سوی کنگره به سمت صدر حزب انتخاب گردید. حضور در کنگره ۱۸ حزب کمونیست آلمان و سمینار بین المللی احزاب برادر در جنب آن فرصتی مناسب برای تبادل نظر با احزاب برادر درباره تحولات سریع در جهان و منطقه خاورمیانه و مطالعه امکانات مختلف برای گسترش همکاری ها و عمل مشترک در سطوح منطقه ای و بین المللی در عرصه های مبارزه برای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم فراهم آورد. هیئت نمایندگی حزب توده ایران در کنگره ۱۸ حزب کمونیست آلمان، در دیدارهای دوجانبه و چند جانبه با هیئت های نمایندگی احزاب برادر حاضر در کنگره، آن ها را در جریان تحولات اخیر کشور و تحلیل های حزب قرار داد. هیئت نمایندگی حزب ما در طول کنگره با صدر و معاون صدر حزب کمونیست آلمان ملاقات کرد.

بخش هایی از سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سمینار احزاب کمونیست - کارگری،

رفقای گرامی

اجازه بدهید از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران از حزب کمونیست آلمان برای دعوت ما به این کنگره مهم و نیز سازمان دهی این سمینار تشکر کنیم ... نشست امروز ما در زمانی برگزار می شود که خطر بر ضد صلح جهانی، دموکراسی، استقلال ملی، و تهدید نسبت به آزادی های فردی، آن طور که سال های سال آن را می شناسیم، نه فقط برای ما کمونیست ها که برای شهروندان عادی جامعه امروزی هم به روشنی آشکار شده است.

مردم خاورمیانه امروز در معرض تهدید واقعی و جدی ماجراجویی نظامی عمده دیگری قرار دارند. ایالات متحد آمریکا اهدافش را برای تامین برتری بلامنافع بر منطقه استراتژیکی خلیج فارس پنهان نمی کند، و شورای امنیت (سازمان ملل متحد) هم تحریم های بیشتر بر ضد ایران را در دست بررسی دارد. ایالات متحده آمریکا متحدانش را در منطقه به ایجاد کشمکش ها، بحران ها و مناقشه هایی ساختگی برمی انگیزد تا بتواند از آنها به عنوان بهانه و زمینه ای برای به راه انداختن یک ماجراجویی تازه بهره برداری کند، و طرحی را که با تجاوز به افغانستان و سپس جنگ و اشغال عراق آغاز کرد، به سرانجام برساند. در دو دهه گذشته ما شاهد جنگ هایی در اروپا، از هم پاشیدگی کشورهای مستقل و ایجاد دولت هایی دست نشانده بوده ایم. آمریکا و برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به دست نشانده هایشان در کوزوو چراغ سبز نشان داده اند که برخلاف همه معیارهای بین المللی، به طور یک طرفه اعلام استقلال کنند و شبه جزیره بالکان و در واقع اروپا را در بحران و بی ثباتی فرو ببرند.

روزی نمی گذرد که به بهانه مبارزه با تهدید تروریسم، قانون تازه ای تصویب نشود، که به راستی کشورهای اروپا را به دولت هایی پلیسی تبدیل می کند که در آنها آزادی های فردی به شدت محدود می شوند. حق گردهمایی و تشکل، حق آزادی بیان، حق داشتن مطبوعات آزاد، حق اعتراض بر ضد دولت، و حق اظهار نظر از طریق رای دادن در انتخابات آزاد و عادلانه، دانسته و به طرزی خشن نقض و منکوب می شود.

در کشورهای سرمایه داری پیشرفته هر روز قوانین محدود کننده بیشتری تصویب می شوند که آزادی های فردی را هرچه بیشتر محدود و حقوق اساسی بشر را تهدید می کنند. هدف این اقدام ها چیزی نیست جز ضعیف کردن جنبش طبقه کارگر در مسیر پیکار در راه صلح، شرایط کار و دستمزد بهتر، و پیشرفت اجتماعی..."

نماینده حزب ما در رابطه با ضرورت همکاری بین المللی اشاره کرد: "این واقعیت که اقتصادهای سرمایه داری توانسته اند به آسانی بار این بحران عمومی را به دوش

ادامه شرکت نمایندگی حزب ...

ممکن ساخت. بایستی بتوانیم مردم را اقناع کنیم که سرمایه داری قادر به حل تضادها که همواره عمیق تر می شوند نیست و پاسخی به چالش های آینده که بتواند مدافع منافع اکثریت مردم جامعه باشد ندارد. نه تنها تضادهای اقتصادی و اجتماعی و غیره گسترش می یابند، بلکه طبیعی ترین حقوق زندگی نیز در معرض خطر قرار دارد. جایگزین همانطوری که در فرمول بندی روزا لوکزامبورگ آمده است: "سوسیالیسم در مقابل بربریت است". برای اینکه بتوان در دراز مدت جایگزین سوسیالیستی را غالب ساخت می بایست از جنبش های مختلف اجتماعی، و قبل از همه فعالیت های خارج از پارلمان سود جست.

ما می بایست در فعالیت های ضد جنگ بیشتر از قبل به روشنگری بپردازیم. بر ضد جنگ در افغانستان و عراق و یا در دیگر مناطق مبارزه کنیم. اگر چنانچه مقاومت بر ضد جنگ گسترش نیابد، ارتش آلمان می تواند از ابتدا در جنگ های احتمالی در خاورمیانه، بر ضد ایران شرکت جوید.

دولت ها و سایر ساختار های قدرت منطقه ای و بین المللی در آمریکا، اروپا و ژاپن خود را در خدمت کنسرن ها که نقش تعیین کننده ای دارند، قرار می دهند. گسترش سرکوب و کنترل شهروندان قبل از هر چیز بر ضد کسانی که کار برده می شود که در حال حاضر و آینده برای دموکراسی و تعمیق دستاوردهای اجتماعی و با سیاست جنگ طلبانه مبارزه می کنند. کنسرن ها بر ضد هرکسی که در مقابل منافع آنان بایستند، ترور و زور را بکار می برند. قوانین اتحادیه اروپا و تدابیری که در چارچوب "جنگ بر ضد تروریسم" بکار گرفته می شود، منجر به تغییرات مخربی در روابط بین المللی و ملی می شود و این به مثابه بیان خشن و دیکتاتور مشانه برای تامین منافع کنسرن ها است.

رفیق اشتر در باره در هم تنیدگی شرکت های فراملی و بین المللی شدن حق تملک و عواقب آن از جمله تاثیر بحران اقتصادی کنونی آمریکا در آلمان سخن گفت و ضرورت مبارزه بین المللی طبقه کارگر و متحدان آن را در جهان کنونی یاد آور گردید.

رفیق اشتر در سخنان خویش به تغییرات سیاسی در جامعه آلمان از جمله در باره علل ظهور حزب چپ و نوع و شیوه برخورد حزب کمونیست آلمان نسبت به آن توضیح داد. "حزب چپ را نمی توان از صحنه سیاسی جامعه آلمان حذف کرد. حزب در جایی که سیاست اپوزیسیونی را دنبال می کند، رشد می یابد. رفیق اشتر ضمن اشاره به قوی شدن چپ در آلمان افزود که مدافعان سیاست های نو لیبرالی مشروعیت خود را از دست می دهند، سیستم سرمایه داری و روش اداره سیاسی جامعه حزب کمونیست آلمان را ملزم به انتقاد بیشتر از سیستم می سازد. احزاب و سازمان های بزرگ در آلمان دیگر قادر نیستند که نظرات متقابل را خنثی سازند، امری که تاکنون ممکن بوده است.

در سخنرانی رفیق اشتر اهمیت ویژه ای به کار در اتحادیه های کارگری و توجه به گستره و شعار های فعالیت اتحادیه ای و از جمله درباره مبارزه برای حداقل دستمزد، دفاع از شرایط کاری و حفظ مشاغل و در عین حال در باره وظایف حزب و اعضای آن در رابطه با اتحادیه های آلمان توضیحات مفصلی داده شد. رفیق در مورد اتحادیه ها افزود: اتحادیه ها زمانی می توانند دارای چشم انداز باشند که بتوانند مدافع پیگیر و روشن منافع طبقاتی باشند.

رفیق اشتر در سخنرانی خویش به پیوند ناگسستنی بین سیستم سرمایه داری و نابرابری اجتماعی و بی عدالتی و تحدید حقوق اولیه دموکراتیک و اجتماعی تاکید کرد. او ضرورت مبارزه در سایر عرصه ها و از جمله مبارزه برای حفظ محیط زیست را گوشزد کرد. رفیق به نقش حزب کمونیست آلمان در جا انداختن دیدگاه های ضد سرمایه

ادامه شرکت نمایندگی حزب ...

سرمایه داری بوروکراتیک، کار گزار ارتجاع و

امپریالیسم!

مبارزه میان جناح های درون و پیرامون حاکمیت، به ویژه بر سر مسایل اقتصادی، وارد مرحله جدیدی شده است، توجه و ارزیابی دقیق و واقع بینانه از این رویارویی که بازتاب تضاد منافع لایه های مختلف طبقه سرمایه دار ایران است، برای ارزیابی صحیح صحنه سیاسی و صف بندی های سیال درون حکومت و نیز تحولات چند وجهی ناشی از آن با هدف ارایه تحلیل طبقاتی و تعیین سیاست های کوتاه مدت و بلند مدت اصولی از اهمیت بنیادین برخوردار است! لذا باید به نحوی موشکافانه و سنجیده جایگاه، نقش و میزان تاثیر این لایه ها و همچنین موقعیت و نفوذ نمایندگان سیاسی آنها را شناخت و از آن تصویری واقعی ارایه کرد. در میان لایه بندی طبقه سرمایه دار، حضور سرمایه داری بوروکراتیک نوین ایران قابل توجه و نقش به گایت زیان بار و مخرب آن در تحولات کشور چشمگیر است.

حاکمیت برآمده از انقلاب شکوهمند بهمین به لحاظ طبقاتی نخواست و نتوانست دگرگونی ضرور و مطابق با آرمان های انقلاب را در دستگاه عریض و طویل اداری فراهم آورد. خودداری جمهوری اسلامی از دگرگونی دستگاه اداری، زمینه حفظ و سپس رشد و گسترش این لایه سرمایه داری گردید.

این سرمایه داری طفیلی خیلی زود و با سرعت از حوادث سال های نخست انقلاب استفاده و موقعیت خود را در ارتباط با سرمایه بزرگ تجاری تقویت کرده و به یک شریک قدرتمند در حاکمیت فرا روئید. به عبارت دقیق تر با تحولاتی که انقلاب پدید آورد، سرمایه داری ایران دچار دگرگونی های کیفی قابل ملاحظه و ژرفی شد که سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک نوین برندگان اصلی در این حوادث قلمداد می شوند. تشکیل بنیادهای انگلی و فعالیت فزاینده آنها در اقتصاد کشور خون تازه ای به رگ های سرمایه داری دیوان سالار که محصول حیف و میل اموال دولتی و عمومی، رشوه و ارتشاء است، روان ساخت و از هر حیث موجبات تقویت و رشد آن را فراهم کرد.

گر چه پس از انقلاب این لایه سرمایه داری رشد سرطانی کرد و به مواضع کلیدی هم دوش با سرمایه بزرگ تجاری چه در عرصه اقتصادی و چه عرصه سیاسی دست پیدا کرد، اما زمینه و ریشه آن به مناسبات قبل از انقلاب باز می گردد. نقش آگاهانه رژیم واژگون شده سلطنتی در تقویت سرمایه داران بزرگ و ایجاد عوامل انحصاری به مثابه یکی از ویژگی های اساسی رشد سرمایه داری در ایران و شکل گیری دستگاه بوروکراتیک در خدمت امیال و اهداف دربار و انحصارات امپریالیستی، عوامل عینی تقویت و تحکیم موقعیت سرمایه داری بوروکراتیک ایران و ریشه تاریخی رشد آن محسوب می شوند. در سال های میانی دهه ۵۰ سرمایه داری بوروکراتیک به چنان توان و قدرتی دست یافته بود که در خصوص طرح و حل مسایل اقتصادی و مالی به سود دربار و منافع انحصارات امپریالیستی حتی در مقابل کلان سرمایه داران عرض اندام می کرد. در رژیم ضد ملی شاه پس از درآمدهای هنگفت نفت، موقعیت این لایه سرمایه داری به علت جوش خوردن و پیوند دستگاه اداری رژیم با منافع صاحبان و مدیران واحد های بزرگ صنعتی از راه تصدی پست های حساس دولتی وابستگان این سرمایه داران، بیش از پیش تقویت گردید و گروهی از مدیران ارشد و مقامات عالی رتبه با در دست داشتن مسئولیت های حساس اقتصادی و مالی دولت در عین حال به فعالیت های اقتصادی نیز مشغول بودند. این پدیده، همچنانکه در سطور پیش اشاره شد، با خودداری از دگرگونی دستگاه اداری در جهت آرمان های انقلاب به حیات خود ادامه داد و با بهره گیری از حوادث به شریک پر قدرت در حاکمیت بدل گردید. هم اکنون سرمایه داری بوروکراتیک که نسل جدید آن شامل مدیران ارشد، فرماندهان سپاه پاسداران، گردانندگان بنیادهای انگلی، کارمندان بلند پایه کشوری و لشگری و اردوی ده ها هزار نفری روحانیون در پست های حساس و کلیدی وزارتخانه ها و دادگاه های شرع و قوه قضاییه می شود، با حیف و میل اموال دولتی، چنگ انداختن به بودجه های کلان بنیادها و شهرداری ها، در اختیار گرفتن طرح های مختلف عمرانی، ضمن جایگزین کردن روابط به جای ضوابط با رشوه و ارتشاء و فساد مالی با سوء استفاده از موقعیت سیاسی و سازمانی و نظامی خود به گرد

زحمت کشان بیندازند، موضوعی است که ما کمونیست ها باید با آن به مقابله برخیزیم ... امروزه ده ها میلیون تن از مردم جهان به تجربه به بی ثمری نظام سرمایه داری پی برده اند. امروزه نیروهای تازه ای وارد عرصه پیکار می شوند. وظیفه ما پیوند دادن این نیروها و جلب کردن آنها به موضع ضد امپریالیستی پایدار و استوار مان است، که پیوند میان استثمار اقتصادی، حرص و از امپریالیسم برای کسب سود سرشار، ویرانی محیط زیست و جنگ های تجاوزکارانه امپریالیستی را توضیح می دهد و آشکار می سازد. ما باید جنبش صلح طلبی را قانع کنیم که میان اشتباهی سرمایه داری به سودهای کلان و سرشار از یک سو و جنگ از سوی دیگر، پیوندی ماهوی وجود دارد. ما باید آنها را از آرزوی پایان دادن به جنگ را دارند متقاعد کنیم که رویکرد اشتی گرایانه (پاسیفیستی) به موضوع صلح راه کرد مناسبی نیست. ما باید ضرورت ایجاد یک جنبش توده ای بر ضد جنگ و امپریالیسم و برای پیشرفت اجتماعی را به روشنی بیان کنیم... اگر جنبش بین المللی کمونیستی و طبقه کارگر نتواند به شکل های مناسبی برای همکاری بین المللی دست یابد، دچار ضعف و کمبود جدی در واکنش به وضع موجود خواهد شد. در این زمینه، نگاهی دقیق تر به تجربه موفق جنبش در آمریکای لاتین حائز اهمیت است. شکل گیری دسته ای از کشورهایی که سیاست های نولیبرالی را به چالش کشیده اند و در برابر رفتار آمریکا که آنها را به چشم حیاط خلوت خودش نگاه می کند مقاومت می کنند، نمونه آموزنده مشخصی است در پیش روی همه جنبش های ترقی خواهانه در سراسر جهان. ما ادعا نمی کنیم که مبارزه در آمریکای لاتین در همه زمینه ها موفق بوده است یا همه چیز خوب و درخشان است. خیر! هنوز چالش های زیادی بر سر راه قرار دارند. اما نکته اینجاست که بذریک پیکار پیروزمندانه کاشته شده است و جوانه های یک زندگی نوین سر زده است. مردم اعتماد به نفس بیشتری یافته اند و در ساختمان جامعه تازه شان شرکت می کنند. منابع، مهارت ها و توانایی هایشان را در مقیاسی جهانی به شراکت می گذارند. تمایل این کشورها به توسعه همکاری در زمینه های ارتباطات و رسانه ها، رشد اقتصادی و منابع انرژی امید هایی را برای ادامه و تعمیق این تجربه برانگیخته است. موضوع های زیادی هستند که کمونیست ها می توانند پیرامون آنها با یکدیگر همکاری کنند. اما رفقا، این امر اهمیت دارد که ما نگذاریم ترس از اشتباه هایی که احتمالاً جنبش در گذشته مرتکب آنها شده است دست و پای ما را ببندد، یا به علت گوناگونی ملی میان خود موانعی را بر سر راه خود قرار دهیم که نیروی ما را در راه انجام مسئولیت های بین المللی مان تحلیل ببرند... مبارزه بر ضد هر شکلی از نظامی گری باید یکی از اولویت های ما باشد. افزون بر این، با توجه به تهدید دوباره مجتمع های نظامی - صنعتی آمریکا به تشدید مسابقه تسلیحات هسته ای، مبارزه ما برای خلع سلاح هسته ای نیز اهمیت تازه ای یافته است. کارزار تقویت و تحکیم سازمان ملل متحد و نیز دموکراتیک کردن ساختارها و سازوکارهای اداره این سازمان عرصه مهمی از عمل هماهنگ است که ما نمی توانیم و نباید آن را نادیده بگیریم. فن آوری های نوین نیز فرصت های چشمگیری را در اختیار آزاد سازی نوع بشر قرار می دهد، اما به شرط آنکه این دستاوردهای نوین در انحصار مایکروسافت و آی.بی.ام و دیگر غول های فراملی باقی نماند. انقلاب جاری در فن آوری ارتباطات و اطلاعات فرصت های تازه ای را برای مبادله اطلاعات و بسیج نیروها و متحدان مان ایجاد کرده و در اختیار جنبش ما قرار داده است. استفاده از این فرصت ها نیز باید جزو اولویت های اصلی ما قرار بگیرد."

ادامه "نه" مردم پاکستان ...

حدود ۸۰ میلیون نفر در سراسر کشور به پای صندوق‌های رأی رفتند.

چندی پس از انتخابات و در پی گفتگوهای در مورد دو موضوع عمده آینده قضاوت دیوان عالی و ترکیب دولت ائتلافی آینده، یکشنبه گذشته ۱۹ اسفند ماه، رهبران دو حزب اصلی پیروز انتخابات اعلامیه مشترکی را مبنی بر توافق برای تشکیل دولت ائتلافی در استان‌ها (از جمله پنجاب) و در مرکز، به رهبری حزب مردم پاکستان، امضا کردند. رهبران دو حزب در یک کنفرانس خبری در شهر "مری" در ایالت پنجاب به موضوع اعلام نامزد پست نخست وزیر از سوی حزب مردم (که بیشترین تعداد نمایندگان را در مجمع ملی خواهد داشت) و به کار بازگرداندن قضاوت دیوان عالی کشور، از جمله قاضی افتخار چاودی، ۳۰ روز پس از تشکیل دولت ائتلافی فدرال اشاره کردند. طبق اخبار رسانه‌ها، پیروز مشرف نمایندگان منتخب را فراخوانده است که در روز ۲۷ اسفند مجمع ملی را به طور رسمی تشکیل دهند. اگرچه پیشتر نواز شریف در یکی از گردهمایی‌های پس از انتخابات در لاهور گفته بود که بهتر است مشرف ندای حکم و رأی مردم را بشنود و از قدرت کناره‌گیری کند، و نیز از احزاب سیاسی خواسته بود که "برای خلاص شدن از دیکتاتوری با هم همکاری کنند"، ولی این بار در کنفرانس خبری رهبران در مورد برکناری مشرف حرفی زده نشد. نمایندگان دو حزب مخالف که به همراه یکدیگر کنترل مجلس آینده را در دست خواهند داشت، اگر بتوانند حمایت نامزدهای مستقل و احزاب کوچکتر را کسب کنند خواهند توانست به حد نصاب دو سوم کل آرا دست یابند که شرط لازم برای استیضاح و برکناری رئیس جمهوری است. در همین حال تظاهرکنندگان در شهرهای مختلف برای آزادی زندانیان سیاسی، از جمله وکلا و قضات و روزنامه‌نگاران، و ابقای قضات دیوان عالی به خیابان‌ها ریختند. در کراچی هزاران تظاهرکننده با سردادن شعارهایی مثل "ما آزادی می‌خواهیم" و "مشرف برو" خواستار کنار رفتن پیروز مشرف شدند.

مردم پاکستان خواستار دگرگونی‌های اساسی در کشور در راه تأمین نیازهای اساسی، صلح و دموکراسی هستند. چگونگی همکاری‌های دو حزب پیروز در انتخابات با یکدیگر و با رئیس جمهوری در هفته‌ها و ماه‌های آینده، موضوعی است که هم مورد توجه محافل سیاسی داخلی و بین‌المللی قرار دارد و هم از نزدیک توسط مردم دنبال خواهد شد. با توجه به سابقه و کارپایه سیاسی و اجتماعی دو حزب مردم و مسلم لیگ و رهبران آنها، و تأثیر عواملی از قبیل حضور پیروز مشرف و دار و دسته‌اش در صحنه سیاسی و اقتصادی کشور، دخالت‌های غیر مستقیم خارجی اروپا و آمریکا، ناآرامی‌های ناشی از فعالیت گروه‌هایی مثل طالبان و مجاهدین افغان و روابط پاکستان با همسایگان و به ویژه افغانستان و هندوستان و ایران، رویدادهای آتی پاکستان نه تنها برای مردم این کشور، بلکه برای ملت‌های منطقه نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

هدف از قتل "رائول ری یس" دامن زدن به یک بحران در آمریکای لاتین بود! مصاحبه روزنامه "اومانیته" با دبیر کل حزب کمونیست آرژانتین

"پاتریسیو چه گارای"، دبیر کل حزب کمونیست آرژانتین، انگیزه های دولت کلمبیا و متحد واشنگتنی اش در قتل "رائول ری یس" را افشا می کند.

اومانیته - این روزها قرار بود که شما با "رائول ری یس" ملاقاتی داشت باشید. در باره چه چیزی بایست مذاکره می کردید؟

پاتریسیو چه گارای - ما می بایست کلا به وضعیت آمریکای لاتین می پرداختیم. مسلماً در باره کلمبیا و همچنین در باره سا لروژ تولد چه گوارا که قرار است در شهر زاد گاهش - روزاریو - بر گزار شود، نیز در باره اجلاس "سائو پائولو" که "فارک" هم عضو آن است و همچنین در باره گروگان‌ها.

اوما نیته - در این اموری که بر شما رسید آیا شما و (کشورتان) نیز نقشی دارید؟
پاتریسیو چه گارای - چندین کشور در این امور سهیم هستند و من باید نسبت به مجاهدات کشورم در این باره سپاسگزار باشم.

اومانیته - آیا شما "رائول ری یس" را خوب می شناختید؟
پاتریسیو چه گارای - من او را به دفعات ملاقات کردم. دفعه آخر حدود یک سال ونیم پیش بود.

اومانیته - با "مارو لاند" (فرمانده فارک) چطور؟
پاتریسیو چه گارای - او را نیز ملاقات کردم. نخستین بار سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ بود، طی سفری پر ماجرا در میان جنگل‌ها که سه ماه به طول انجامید.

اومانیته - پاره ای از منابع و روزنامه‌ها اعلام می دارند، اکنون مدت‌هاست که او مرده.
پاتریسیو چه گارای - بر اساس تازه‌ترین خبرهایی که در اختیار ماست او در سلامت کامل بسر می برد.

اومانیته - آیا شما جانشین "رائول ری یس" را هم می شناسید؟
پاتریسیو چه گارای - او "خوآکین گومز" نامیده می شود و فرمانده جبهه جنوب است. این فرمانده پنجاه ساله امروزی از صفوف جوانان کمونیست کلمبیا بر خاسته و در رشته دامپزشکی دانشگاه پاتریس لومبا درس خواند و عضو رهبری فارک است. هم او بود که با تفاق "ری یس" ترتیب اولین ملاقات مرا با "مارو لاند" داد. او روشنفکری است که از لحاظ سیاسی به خوبی تربیت یافته. او یک جانشین شایسته "ری یس" خواهد بود.

اومانیته - مرگ "ری یس" را چگونه تحلیل می کنید؟
پاتریسیو چه گارای - این قتل بود که توسط "اریب" رئیس جمهوری کلمبیا به قصد ایجاد یک جنگ منطقه‌ای که جورج بوش آرزوی شعله ور شدن آنرا در سر می پرو راند انجام گرفت. بر اساس نقشه واشنگتن، کلمبیا می بایست پیش قراول تهاجم به ونزوئلا باشد همچنان که هندو راس این نقش را در کار زار آمریکا بر ضد نیکاراگوئه بازی کرد. چنین تحریکاتی می بایست سر آغاز یک جنگ تمام عیار با ونزوئلا باشد و نیز با این هدف که هر گونه مبادله گروگان‌ها و زندانیان را ناممکن سازد. من باید نقش شایسته و در خور ستایش "فارک" را در این میان مورد تاکید قرار دهم. "فارک" تا کنون چندین گروگان را آزاد ساخته و آماده است که این کار را بدون چشم داشت عمل متقابل از آن سو، باز هم ادامه دهد.

اومانیته - به اعتقاد رییس جمهوری اکوادور قرار بود در زمان کوتاهی گروهی از گروگان‌ها از جمله "بتان کورت" آزاد شوند، پس هدف "الوارو اریب" از کشتن "ری یس" چه بود؟
پاتریسیو چه گارای - او می خواهد روند انسان دوستانه تبادل گروگان‌ها را کاملاً تخریب کند تا با مرگ (احتمالی پاره‌ای) از آنها چهره فارک را در صحنه جهانی تیره سازد و نیز از "شر" اینگرید بتانکورت" به عنوان رقیب احتمالی بسیار نیرومندش در انتخابات آینده رها گردد.



“نه” مردم پاکستان به حکومت نظامی پرویز مشرف

در پی ناراضی گسترده مردم و ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی یک سال اخیر در پاکستان، که خلع افتخار چاودری رئیس دیوان عالی کشور جرعه آغاز آن را یک سال پیش زد و سپس با محدود شدن آزادی مطبوعات، زندانی شدن فعالان سیاسی، اعلام حکومت نظامی در آبان ماه، و سرانجام ترور و کشته شدن بی‌نظیر بوتو نخست‌وزیر اسبق پاکستان و رهبر “حزب مردم پاکستان” در روز ۶ دی ماه اوج گرفت، سرانجام انتخابات “مجمع ملی” و انتخابات دولت‌های استانی در این کشور برگزار شد. مجمع ملی یا مجلس عوام، همراه با مجلس سنا، دو نهاد تشکیل دهنده پارلمان یا “مجلس شورا”ی این کشور هستند. انتخابات سراسری که قرار بود در اوایل دی ماه برگزار شود، با چند هفته تأخیر و با شرکت شماری از احزاب بزرگ و کوچک و نامزدهای مستقل در روز ۲۹ بهمن ماه برگزار شد. به گزارش ناظران اتحادیه اروپا، اگرچه میدان تبلیغات، و به ویژه رسانه‌های همگانی تحت کنترل دولت به طور عمده در اختیار و به نفع حزب حاکم بود، و نیز به رغم بروز خشونت و ناآرامی‌هایی در برخی از مناطق و احتمال مواردی از تخلف، در مجموع روند رأی‌گیری در حوزه‌های انتخاباتی مثبت ارزیابی شد. با در نظر گرفتن شرایط سرکوب و اختناق حاکم بر پاکستان پس از روی کار آمدن ژنرال پرویز مشرف در سال ۱۹۹۹، پس از کودتای نظامی او بر ضد نواز شریف، تحمیل برگزاری این انتخابات از سوی نیروهای اجتماعی به حاکمان نظامی، و حضور احزاب مخالف و نامزدهای مستقل در انتخابات، خود گام مهمی به جلو در راه استقرار یک حاکمیت مدنی پس از سال‌ها حکومت نظامیان در این کشور صاحب فناوری هسته‌ای محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر اتحاد نزدیکی با ایالات متحده آمریکا در این منطقه حساس آسیا داشته است. البته باید دید که دولت فدرال آینده تا چه حد خواهد توانست پاسخ‌گویی خواست‌های اقتصادی – اجتماعی – سیاسی مردم رنج‌دیده پاکستان باشد، و نسبت به همکاری‌های نزدیک مشرف با آمریکا در “مبارزه با ترور”، که موج ضدآمریکایی گسترده‌ای را در میان مردم پاکستان دامن زده است، چه موضع و برخوردی خواهد داشت. در این انتخابات، حزب حاکم “مسلم لیگ (قاعد اعظم)” و دیگر احزاب سیاسی هوادار و متحد پرویز مشرف شکست سختی را متحمل شدند، به طوری که صدر حزب حاکم، وزیر امور خارجه و وزیر راه‌آهن، کرسی‌هایشان را در پنجاب از دست دادند، و سرنوشت آینده خود پرویز مشرف نیز زیر سؤال رفت. این شکست پیش از هر چیز نشان‌دهنده ناراضی‌های شدید مردم پاکستان از وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر کشور در دوران حکومت نظامی پرویز مشرف است، به طوری که مطبوعات پاکستانی آن را رفتارندومی بر ضد سیاست‌های مشرف خواندند. شماری از احزاب مذهبی نیز بسیاری از کرسی‌هایشان را در انتخابات از دست دادند. برای نمونه، ائتلاف عمده “مجلس متحد عمل” فقط ۶ کرسی در مجمع ملی به دست آورد، در حالی که در مجلس قبلی ۶۳ نماینده داشت. نیروهای اسلامی با کسب فقط حدود ۵ درصد آرا (۱۴ کرسی) در استان “مرزی شمال غربی” و سرزمین‌های قبیله‌ای نیمه خودمختار در مرز افغانستان، که در ماه‌های اخیر محل عمده درگیری

نیروهای نظامی پاکستان با نیروهای طالبان و القاعده بوده است، نقش کنترل‌کننده‌شان را در این منطقه از دست دادند. این در حالی است که نیروهای غیرمذهبی مثل “حزب عوامی ملی” پشتون‌ها و حزب “مردم” به ترتیب ۴۶ و ۲۰ کرسی را در مجلس این استان به دست آوردند. دولت جدید کار زیادی برای اعاده صلح و حقوق ضایع شده زنان و هنرمندان در دوران حاکمیت “مجلس متحد عمل” در پیش خواهند داشت.

در مجموع، دو حزب مخالف “مردم پاکستان” به رهبری آصف علی زرداری همسر بی‌نظیر بوتو، و “مسلم لیگ پاکستان (نواز)” به رهبری محمد نواز شریف، برندگان عمده انتخابات استانی و فدرال بودند. در انتخابات فدرال حزب مردم ۱۲۰ کرسی (شامل ۲۳ کرسی از ۵۹ کرسی مختص زنان و ۴ کرسی از ۱۰ کرسی مختص اقلیت‌های مذهبی) و مسلم لیگ (نواز) ۹۰ کرسی (شامل ۱۷ کرسی مختص زنان و ۳ کرسی مختص اقلیت‌ها) از کل ۳۴۲ کرسی “مجمع ملی” را به خود اختصاص دادند. حزب حاکم فقط توانست ۵۱ کرسی به دست آورد که به معنای کاهش کنترل و نفوذ مشرف و هوادارانش در مجلس و دولت فدرال آینده خواهد بود. شماری از احزاب کوچک‌تر و نامزدهای مستقل کرسی‌های باقی‌مانده را از آن خود کردند، از جمله جنبش متحده قومی (ملی) که ۲۵ کرسی را از آن خود کرد. در انتخابات استانی، مسلم لیگ (نواز) بیشترین تعداد کرسی را در استان پنجاب از آن خود کرد در حالی که حزب مردم و مسلم لیگ (قاعد) به ترتیب بیشترین آرا در استان‌های سند و بلوچستان به دست آوردند. طبق گزارش‌های خبرگزاری‌ها در

ادامه در صفحه ۱۱

کمک‌های مالی رسیده

کامی از سوئد	۱۸۰ کرون
آرش چمنی به یاد رفیق روزبه	۲۰۰ دلار
سیامک از سوئد	۵۰۰ کرون

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس‌های اینترنت و “ای-میل”
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 786
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

15th March 2008

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse